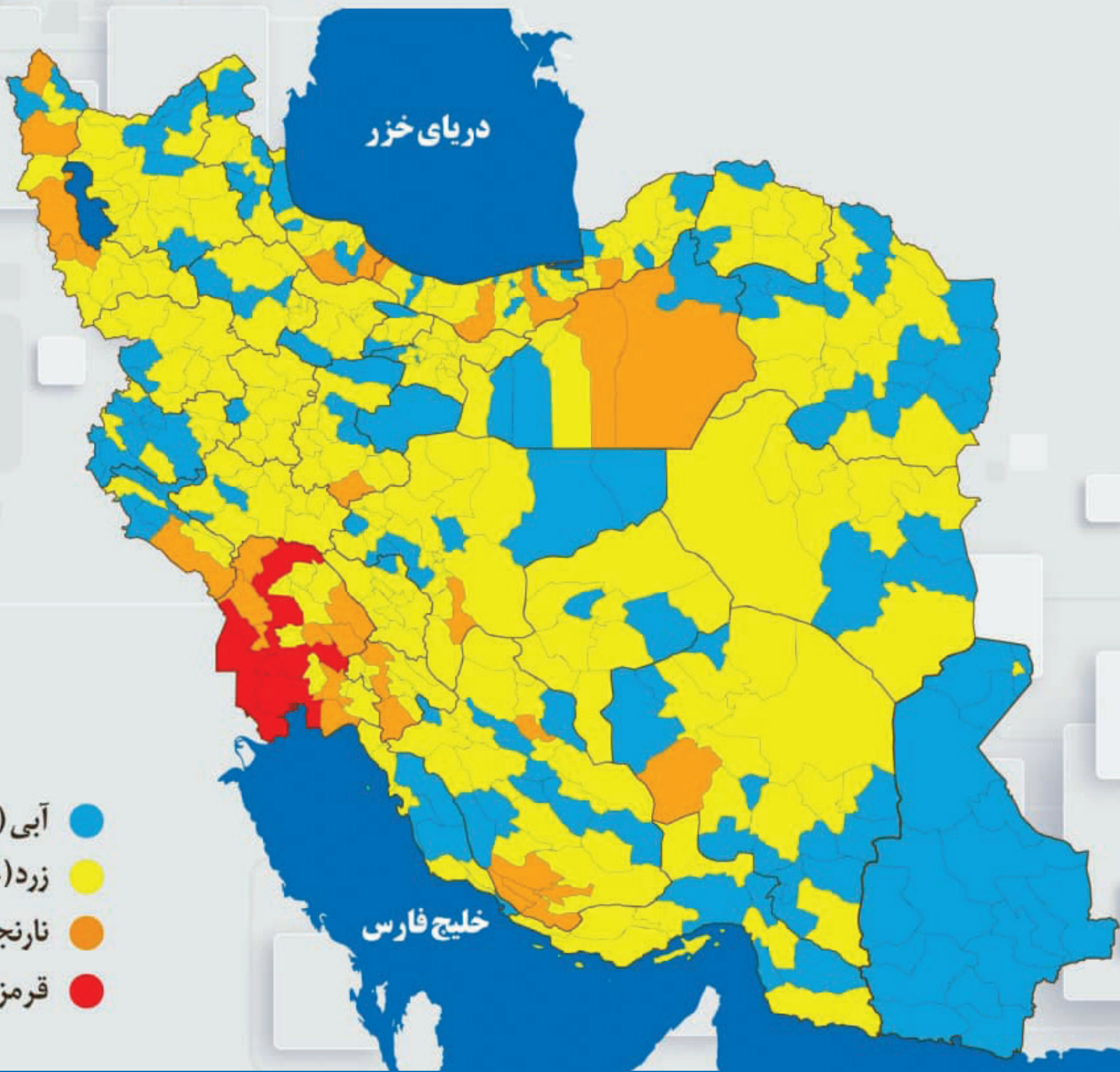


# رنگبندی کرونایی شهرستان های کشور

بر اساس آخرین اعلام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳ شهرستان استان خوزستان و شهر گچساران در وضعیت قرمز، ۳۱ شهرستان در وضعیت نارنجی، ۲۵۲ شهرستان زرد و ۱۵۴ شهرستان در وضعیت آبی هستند و سفر به شهرهای قرمز و نارنجی و خروج از این شهرها ممنوع است.



## گزارش

آدرس غلط ندهید مشکل تفکر حاکم است، نه یک کارشناس

## داستان دنباله دار لنگ ولایتی و انتخابی که ظریف می گفت مردم ما کرده اند!

تحمیلی قیمت بنزین هم که بیشتر شد مردم اعتراض نکردند و خیلی از خانواده ها تصمیم گرفتند روزی دو وعده غذا بخورند، اینها همه اش مقاومت بود. امروز اما همه می دانند که دیگر مردم قرار نیست از این قبیل مقاومت ها را در چنین زمانی که در آن هستیم انجام بدهند. امروز مردم نمی خواهند تا از زبان آنها سخن گفته و از طرف آنها تصمیم گرفته شود و بعد هم بگویند مردم خودشان خواستند که اینگونه زندگی کنند. امروز مردم ما برخی مقامات و مسئولانی را می بینند که دم به اسم دورزدن تحریم ها چه ها که نمی کنند. شاهد حق خوری ها، رانت ها هستند. برای همین مردم منتقدند؛ منتقد به اینکه چرا باید همیشه مقاومت ها مربوط به چند دهک پایین و خاص جامعه باشد و فقط کارگران و نواحی محروم و مرزی نصیبشان قناعت شود و اجر اخروی؟ چرا باید سوختبران آتش گلوله به جان بخردند و کولبران راه خطر عبور از مرزها برای لقمه ای نان؟ چرا این قشرها هیچ تریبونی ندارند و صدایشان شنیده نمی شود و آن وقت تریبون ها برای مقامات و کارشناسانی است که از لنگ بستن دور کمر بگویند و انتخاب مردم و اینکه گوشت و میوه کمتر بخورید و قناعت پیشه کنید. آنچه امروز مردم ما آن مشکل دارند این طرز تفکر و تلاش برای جا انداختن قناعت و مقاومت پیشگی دروغین است و نه شخص یک کارشناس در تلویزیون؛ کارشناسی که شاید خود او نیز مانند مردم باشد و صرفاً بر اساس آنچه در همه این سال ها به او تلقین شده موضوعی را بیان کرده است. مشکل، آنهایی هستند که این تفکر را برای گروهی از مردم جان انداخته اند. کسی نیست به آنها بگویند مردم اگر بخواهند خود بلدند تصمیم بگیرند که چه زمانی مقاومت پیشه کنند نیازی به تذکر کسی ندارند.

این کلمات را بشنوند و باور کنند. همچنان ساختار قدرت بر این طبل می کوبد و قطعاً در این میان کارشناسی که در مقابل تلویزیون می گویند که مردم برنج خالی بخورند و قناعت باشند، گناهش از وزیر که از قول مردم می گفت ما خود انتخاب کردیم که اینگونه باشیم یا از کسی که ما را به لنگ بستن دور کمر سفارش می کرد بیشتر نیست. اساساً این تفکر مسموم است که باید نقد شود. چرا مردم نمی پذیرند؟ اما چرا مردم دیگر این ایدئولوژی های دیکته و نخ نما شده را نمی پذیرند؟ این مردم در طول تاریخ به اندازه کافی از جان و دل گذشته و مقاومت کرده اند. داستان آن روز مردم ایران را شنیده ایم که در محاصره تبریز در زمان مشروطه و فاجعه گرسنگی مردم، مادری که بچه اش خاک می خورد به ستار خان می گوید: خاک می خوریم ولی خاک به دشمن نمی دهیم. یا در اوایل جنگ

و آنها را به تحمل فشار بیشتر دعوت می نمایند و خود و خانواده هایشان اما در آسایشند و رفاه. مروری بر همه اینها نشان می دهد که مشکل تنها چند کارشناس نیستند که گهگاهی در تلویزیون با این گونه اظهارات مورد حمله قرار می گیرند - که البته این نوع اظهارات قطعاً شایسته واکنش های تند هم هست - اما آن چیزی که باید بیشتر مورد نقد باشد، نه افراد و کارشناسان بلکه تفکری از این جنس است؛ نوع تفکری که ریشه دوانده در بدنه حاکمیت است و البته کم نیستند مردمی که به این تفکر خو گرفته و باور کرده اند که باید با هر اتفاقی که می افتد خود را با آن تطبیق دهند و خدا را شاکر هم باشند که وضع از این بدتر نمی شود. در اینگونه مواقع آموزه های دینی نیز به عنوان یک ابزار حاکمیتی همیشه به کار آمده اند؛ قناعت، مقاومت، ایستادگی، صبر، واژه هایی که همواره بر مردم تحمیل می شود و آنها باید در قبال ایدئولوژی های ساختار

آرمان ملی - امید کاجیان: داستان یک توصیه در تلویزیون این بار هم با حواشی بسیاری روبه رو شده است؛ توصیه ای از یک خانم که از قناعت می گوید و اینکه در چنین شرایط گرانی، میوه نخورید یا برنج خالی بدون گوشت بخورید و قناعت باشید؛ موضوعی که البته باعث واکنش های منفی بسیاری علیه این کارشناس و اظهاراتش شده است، آدرس غلط ماجرا اما شخصی کردن این اتفاق و حمله صرف به این کارشناس است. این نخستین بار نیست که اظهار نظرهایی از این دست با واکنش های شدیدی روبه رو می شود؛ مثلاً زمانی که بهنوش بختیاری در همین صداوسیما از این می گفت که خدا را شکر که گوشت گران شد و همان بهتر که مردم کمتر گوشت بخورند، یا زمانی که یک کارشناس مذهبی از این گفت که هر کس از قوانین کشور و فرهنگ حاکم ناراضی است می تواند جمع کند و از ایران برود و ... شاهد این واکنش ها بودیم. اما هستند کسانی که در پشت تریبون ها و در جایگاه و مقام کشوری نیز اظهاراتی از این دست داشته اند. کسانی که در زمان گرانی های دولت اصولگر ایران مردم را به خوردن اشکنه دعوت می کرد و البته خود محمدجواد ظریف به عنوان وزیر خارجه ایران که از زبان مردم بیان داشت ما خودمان انتخاب کردیم که اینگونه زندگی کنیم. کسی سخنان عجیب و غریب علی اکبر ولایتی را هم از یاد نبرده است، شخصی که مردم ایران را با مردم جنگ زده یمن مقایسه کرد و می گفت که مردم ما باید از مردم یمن بیاموزند که لنگ به دور کمر می بندند و مقاومت می کنند. کسی که بعدها فیلم هایی از پسران برج سازش ایران را که هیچ، دنیا را متعجب ساخت؛ مسئولانی که همواره مردم را به قناعت رهنمون می کنند و از زبان ملت سخن می گویند